بسم الله الرحمن الرحیم

رساله کارشناسی ارشد تاریخ

عنوان:

داعیان فاطمی در ایران تا عصر حسن صبّاح

استاد راهنما: دکتر صادق آئینه وند

استاد مشاور: دکتر یعقوب آژند

دانشجو: حبیب الله کوزه گر کالجی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۳۷۴-۱۳۷۳)

فهرست مطالب **صفحه**

مقدمه الف

نظری به منابع مآخذ هـ

بخش اول: دولت فاطمیان

وجه تسمیه ۱

دورهٔ اول از «عبیدالله مهدی تا خلیفه مستنصربالله» ۳

عصر شکوفایی (۲۹۷-۴۸۷ هـ)

دوره دوم «از مستعلی تا عاضد عصر انحطاط» ۱۲

(۴۸۷-۵۶۷ هـ)

یادداشتهای بخش اول ۱۵

بخش دوم: سابقه دعوت ایران و معرفی مشاهیر نخستین داعیان باطنی - فاطمی

نظری به منابع ۲۶

مدخل «سابقه دعوت در ایران» ۲۷

فصل اول: معرفی مشاهیر نخستین داعیان باطنی و فاطمی در ایالتهای مختلف ایران

- ری و طبرستان ۳۶

«اهمیت و نقش ری در دعوت ،خلف، غیاث، ابوحاتم رازی»

- خراسان وماوراءالنهر

«ابوسعید شعرانی، حسین بن علی مروزی، محمد بن احمد نخشبی» ۶۲

- سیستان
«ابویعقوب سنجری ملقب به خیسفوج» ۸۱
- فارس و کرمان و خوزستان»
«ابو نصر بن عمران ملقب به مؤید فی الدین، شهریاربن حسن، حمیدالدین کرمانی»

فصل دوم: دعوت در عصر محمود غزنوی همراه با معرفی برجسته‌ترین داعیان معاصر حسن‌صباح

- بررسی اوضاع قرمطیان در عصر محمود ۸۵
- تاهرتی داعی یا سفیر ۸۸
- حسنک داعی یا وزیر ۹۱
- ناصر خسرو و داعی یا شاعر ۹۴

فصل سوم: تألیفات داعیان باطنی - فاطمی در ایران، «کتاب المحصول» ۱۱۰
«کتاب الزینة و کتاب الاصلاح» ۱۱۲
«کتاب اثبات النبوة»، «کتاب تیابع»، «کتاب موازین»، «کشف المحجوب» ۱۱۶
«دیوان اشعار ناصرخسرو» «زادالمسافرین» «وجه دین» «جامع الحکمتین» ۱۲۰
یادداشتهای بخش دوم ۱۲۳

بخش سوم: علل پذیرش نظریات داعیان باطنی - فاطمی در ایران

مدخل ۱۵۸

- زمینه‌های فکری
«تاثیر اندیشه‌های ایرانی در پذیرش افکار اسماعیلی» ۱۵۹
«تاثیر زمینه‌های فکری ایران در قرون سوم و چهارم در پذیرش افکار اسماعیلی» ۱۷۴

سایر زمینه ها ۱۷۸
«سیاسی، اجتماعی، اقتصادی»

یادداشتهای بخش سوم ۱۸۴

نتیجه گیری ۱۹۲
فهرست و منابع و مآخذ ۱۹۷
«منابع فارسی و عربی ،مآخذ فارسی و خارجی، مآخذ انگلیسی»
«مجلات، دائرةالمعارف‌ها و لغت‌نامه‌ها» «نقشه‌ها»

مقدمه

تشیع یک برداشت جامع و کامل از اسلام بوده است که در ابعاد عقیدتی، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و تربیتی پا به عرصهٔ ظهور نهاد و از آغاز در کنار تسنن به عنوان تفسیری متفاوت از دین اسلام مطرح بوده؛ این تفاوت بعدها جنبهٔ کلامی و فقهی گسترده‌تری یافت که با گذشت زمان مباحث تازه‌ای بر آن افزوده شد. در عین حال هر یک از دو مذهب مذکور نیز به فروع و شعب متعدد دیگری تقسیم شدند تا جائیکه از مصداق حدیث هفتادو ملت نیز گذشت.

یکی از مباحث مهمی که منشأ پیدایش فرق متعدد در دین اسلام بوده است، مسأله امامت می‌باشد؛ که در شیعه نیز منجربه پیدایش شعب و فروع متعدد شد. این مسأله با شهادت امام علی «ع» در گروش عده‌ای از مسلمین به امامت محمد بن حنفیه به جای امامت منصوص حسن بن علی «ع» آغاز شد و پس از شهادت امام علی بن حسین «ع» جنبه‌های تازه‌ای پیدا کرد زیرا گروهی به جای پذیرش امامت منصوص محمد بن علی (امام باقر) شرط امامت را قیام به شمشیر دانسته و به زید بن علی پسر دیگر امام چهارم«ع» روی آوردند و پس از شهادت زید، امامت پسرش یحیی را پذیرا شدند اینان به شیعه زیدی مشهور شدند و گروههایی از آنان به طبرستان و یمن گریخته و در آن مناطق ساکن شدند. دسته دیگر که به امامت محمد بن علی «امام باقر» اعتقاد داشتند. پس از او به امامت منصوص جعفر صادق «ع» معتقد شدند.

گروهی که بعدها به اسماعیلیه شهرت یافتند اعتقاد دارند که امام صادق «ع» چهار پسر داشت که به ترتیب سن عبارت بودند از: اسماعیل، موسی، محمد دیباج و عبدالله افطح و نص امامت بر اسماعیل قرار گرفت. منابع اهل سنت و شیعه امامیه نوشته‌اند که به دلیل شرب خمر اسماعیل از امامت معزول شد و نص امامت به موسی پسر دوم امام صادق «ع» تعلق یافت؛ عده‌ای از شیعیان گفتند که امام صادق «ع» معصوم و مصون از خطا است و اصل نص نخستین است و بدا خداوند روا نباشد لذا امامت از آن اسماعیل بوده و در خانواده وی مورثی و به پسرش محمد بن اسماعیل می‌رسد.

محمد بن اسماعیل از بیم تعقیب و قتل توسط خلفای عباسی پنهان می زیست و داعیان او در سراسر سرزمین‌های اسلامی دعوت به کیش باطنی می‌کردند. دورهٔ محمد بن اسماعیل و سه فرزندش ملقب به رضی و تقی و نقی، که این آخری پدر عبیدالله مهدی بوده دورهٔ ستر خوانده می‌شود* زیرا امامان مذکور به دلیل ترس از تعقیب و آزار عباسیان پنهان می‌زیستند و رؤسای دعوت از جانب آنان کار دعوت را سامان می دادند این دوره با فرار عبیدالله مهدی از سوریه به شمال آفریقا و اعلان دورهٔ ظهور و تشکیل دولت فاطمیان در سال ۲۹۷ هـ ق به پایان رسید.

---

* توضیح این نکته ضروری است که پسر محمد بن اسماعیل و سه فرزندش رضی و تقی و نقی و ابو عبدالله مهدی پسر محمد بن اسماعیل منابع مذکور را لقب ضد و نقیض یکدیگر داده اند. (نگاه کنید به ص ۳-۱)

دعوت در این دوره موفق شد تا در شمال آفریقا ، یمن و لحساء و بحرین دولتهایی بنیان گذارد ، اما در ایران به علت اشتراک منافع فقهای سنی و دهقانان ایرانی و اشراف عرب با خلیفه عباسی همراه با ورود ترکان متعصب سنی ، کفه ترازو به نفع عباسیان تغییر کرد و هر چند تعدادی از امرای ایرانی چون نصراحمد ، مرداویج ، اسفار ، محمدبن علی صعلوک ، پسران مرزبان مسافری ، به امید کمک فاطمیان در برابر خلفای عباسی و سایر مدعیان قدرت ، به اسماعیلیه روی آوردند و عده‌ای زیاد از رعایا نیز به امید بهتر شدن وضع اقتصادی و اجتماعی خود دعوت باطنی را پذیرا شدند اما هرگز تا یک قرن و نیم بعد که دولت نزاری تشکیل شد اسماعیلیان در ایران موفق به بنیاد دولتی نشدند .

عدم موفقیت دعوت قدیم در ایجاد بنیان سیاسی زود هنگامی چون لحساء و بحرین و یمن در ایران و حیات پنهانی داعیان و جوامع اسماعیلی در این دوره تاریخ دعوت قدیم را در پرده‌ای از ابهام گذارد و مورخان نیز چندان عنایتی به مطالعه و تحقیق در این امر نکردند ، تنها سیاست‌نامه مبحثی را به این موضوع اختصاص داده که اشترن مورخ مجاری به اتکاء آن مقاله‌ای راجع به اسماعیلیان خراسان و ماوراءالنهر و شمال غربی ایران نگاشت ، اما کتاب یا رساله‌ای مجزا در این موضوع نوشته نشده است ، در حالیکه شناخت آن برای هر محقق علاقمند به تاریخ نهضت‌های فکری در ایران " خصوصا " اسماعیلیه " -

ضروری است . رفع این نقیصه ، مرا برآن داشت تا این موضوع را انتخاب کنم . برای دستیابی به این هدف ، کمبود منابع و مآخذ که ناشی از حیات پنهانی داعیان اسماعیلی در این عصر بود مشکل اساسی کار محسوب می‌شد که با سعی و تلاش توانستم تا منابع و مآخذ موجود در این موضوع را فراهم کرده و وجیزه حاضر را آماده نمایم .

در این مجموعه سعی شد تا شخصیت داعیان باطنی ـ فاطمی در ایران ، دعوت قدیم و عملکردهای آنان به عنوان حاملان تفکر اسماعیلی و حامیان دولت فاطمی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و پاسخی شایسته به سئوالات زیر داده شود :

۱) چرا فاطمیان افرادی را تحت نام " داعی " به ایران می‌فرستادند .

۲) آیا نهضت دعوت باطنی ـ فاطمی در ایران موفق بود درصورت موفقیت تاثیر عوامل فرهنگی ایرانی ، چگونه ارزیابی می‌شود .

این رساله به سه بخش ، همراه با یک مقدمه که در آن منابع و مآخذ اصلی رساله معرفی شده ، تقسیم گردیده است . بخش اول رساله اختصاص به بررسی اوضاع سیاسی دولت فاطمیان دارد که در دوقسمت،عصر شکوفایی و عصر انحطاط مورد بحث و بررسی قرار گرفته است . در بخش دوم سابقه دعوت در ایران، زندگی و آثار تعدادی از معروف‌ترین داعیان باطنی ـ فاطمی ، دعوت در عصر غزنوی،

تالیفات داعیان و مختصری‌از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و اهمیت منطقه‌ری در دعوت، مورد مطالعه و پژوهش واقع شده است. آخرین بخش رساله اختصاص به بررسی "علل پذیرش نظریات داعیان فاطمی در ایران" دارد، در این بخش ابتدا سعی شد تا تاثیر عوامل و زمینه‌های فرهنگی ایران پیش از اسلام در پذیرش افکار اسماعیلی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و سپس تاثیر اندیشه‌های شیعی در آماده کردن زمینه برای نفوذ اسماعیلیه در ایران بررسی شود. قسمت آخر بخش سوم، نقش عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در پذیرش دعوت قدیم در ایران بررسی می‌کند و سرانجام رساله با یک نتیجه‌گیری از مجموع بحث‌های انجام شده خاتمه می‌یابد.

سخن را با نگاهی به منابع و مآخذ رساله آغاز می‌کنیم. در بررسی موضوع داعیان باطنی ـ فاطمی ـ در ایران، چشمگیر تر از هرچیزی نقص منابع می‌باشد. عامل اصلی این نقیصه را باید در سالهای حیات پنهانی جوامع اسماعیلی جستجو کرد، زیرا تعقیب و کشتار اسماعیلیان و خصوصاً دعات آنان، بروز مراسمی را با مخاطره جان صاحب اسم برابر می‌کرد. این ترس دائمی باعث می‌شد تا اسماعیلیان در منابع خود هرگز یادی ؤ ذکری از دعات خود نکنند و اگر هم در کتابهای سری یاد کرده باشند، لااقل این است که آن کتابها امروز در دسترس نیست. پس ناچاریم تا حدیث داعیان را از زبان مدعیان بشنویم و به تنها منابع موجود که توسط سنیان راسخ اعتقاد مخالف اسماعیلیه نگاشته شده است روی آوریم. به دلیل قلت منابع و شباهت مطالب موجود در منابع از هرگونه تقسیم بندی پرهیز می‌کنیم و به بررسی مجموعه قلیل می‌پردازیم.

۱. سیاست نامه

این کتاب را ابو علی بن علی معروف به خواجه نظام الملک به سال ۴۸۵ هـق به رشته تحریر درآورد. کتاب دارای پنجاه و یک فصل است و نویسنده از سبک ساده نگاری قرون چهارم و پنجم هجری متابعت کرده است.

در بررسی تاریخی موضوع اسماعیلیان و سابقه دعوت در ایران ناچار این اثر برای هر محققی که قدم در این وادی می‌گذارد، اصلی ترین منبع خواهد بود. خواجه نظام الملک فصول چهل وهفتم و چهل و هشتم کتاب خود را به عنوانهای «در خروج قرمطیان و باطنیان» و «در خروج باطنیان در خراسان و ماوراءالنهر» اختصاص داده است. خواجه در این دو فصل، یک یک داعیان را در منطقه جبال و ری و خراسان، تا زمان ابویعقوب سجزی نام برده و گوشه‌هایی از اعمال و افعال و افکار و شیوه‌های دعوت هر یکی را بیان می‌نماید. اگر چه این کتاب به قلم یک دولت مرد مخالف اسماعیلیان نوشته شده و باید محتویات آن را با احتیاط پذیرفت، ولی آگاهی مؤلف از مخاطرات گروش جامعه به اسماعیلیه در روابط با حکمرانان، مقام و شغل مؤلف و درگیر بودن خود او با اسماعیلیان و سرانجام قتل وی توسط آنان، برارزش این اثر می افزاید.

۲. فهرست

کتاب فهرست محمد بن اسحاق معروف به ابن ندیم (د. ۳۷۸هـ.ق)، یکی از آثار ارزشمند دربررسیهای تاریخی ایران واسلام است درموضوع اسماعیلیه، پیدایش آن، تشکیل دولت در شمال آفریقا، فرستادن داعیان به سرزمین خلافت اسلامی، تالیفات داعیان و حوزه ماموریت آنان، فهرست تالی سیاست نامه میباشد. سخنان ابن ندیم بطور آشکارا ضد اسماعیلی است، زیرا علاوه بر شخصیت متعصب مذهبی ابن ندیم، منبع اظهارات وی کتاب ابوعبدالله رزام در رد اسماعیلیه میباشد که اسماعیلیان را از نسل میمون قداح اهوازی میداند که به دروغ خود را به بنی عقیل منتسب کردند. ابن ندیم نیز چون خواجه نظام الملک یکایک داعیان را نام برده و اعمال و آثار آنان را ذکر میکند وی علاوه برداعیان مذکور در سیاست نامه از افرادی با نام حسنابادی ودبیلی که سمت داعی داشتند یاد میکند که در منابع دیگر خبری از آنان نیامده است. رجحان ابن ندیم برسایر منابع در بررسی دقیق تر او ازپیشینه فکری داعیانی چون ابوحاتم رازی میباشد. توفق دیگر فهرست برسایر منابع، گذشته از قرارداشتن نویسنده در متن قضایا، استفاده از آثار دست اول اسماعیلی چون کتاب ابوعبد الله رزام است که مفقود شده است.

۳. الفرق بین الفرق

این کتاب را ابومنصورعبدالقاهر بغدادی (د. ۴۱۳هـ.ق) نوشته است؛ و یکی از مهم ترین کتابهای مربوط به فرق اسلامی میباشد. بغدادی در این اثر

به متابعت از نام کتاب بغدادی ((الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه منهم)) به نقض آراء و عقاید مخالف فرقهٔ ناجیهٔ اهل سنت و جماعت می‌پردازد.

کتاب به پنج باب و هر باب به چندین فصل جداگانه تقسیم می‌شود. نویسنده سعی دارد تا با تکیه بر حدیث هفتاد و سه فرقه شدن امت اسلام به بررسی فرق متعدد و فروع آنها بپردازد. وی اسماعیلیان را در باب چهارم که در ((بیان فرقه‌هائی است که خود را به اسلام بندند)) قرار داده، و کیش آنان را در ۳۰ صفحه مجزا بررسی و نقد کرده است. شاید وی اولین کسی بوده که اسماعیلیه را به عنوان یک سیستم کامل مذهبی در نظر گرفته و از نحوه بنیان گذاری این کیش آغاز و تحولات آن را شامل تشکیل دولت در مصر، روابط ایران و مصر در عصر خلفای فاطمی، تاثیر ادیان ایران پیش از اسلام بر اسماعیلیه، سلسله مراتب دعوت نزد باطنیان، داعیان باطنی ـ فاطمی در ایران، تالیفات داعیان و حوزه کار داعیان را مورد بررسی قرار داده است.

۴. جامع التواریخ

" قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و رفیقان "

قسمت مربوط به اسماعیلیان و فاطمیان کتاب عظیم الشان، جامع التواریخ اثر رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۸ ـ ۶۴۵ هـ.ق) به دلیل دسترسی به منابع دست اول اسماعیلی که از خرابی قلاع الموت توسط مغولان و رتبه والای اداری مولف، عاید وی شده بود، یکی از بهترین منابع در مورد تاریخ اسماعیلیه می‌باشد. علاوه بر دسترسی به منابع بالا، مولف از منابعی چون

ابن رزام ، اخومحسن ، انطاکی ، باقلانی ، غزالی ، ابن خوزی، ابن اثیرو...
استفاده کرده است . جامع التواریخ نیز از نگاه یک دولت مرد مخالف
جنبشهای مردمی چون اسماعیلیه نگارش یافته است . خواجه رشیدالدین فضل الله
نیز چون فهرست ، فرق بین فرق ، اتعاظ الحنفاء معرفی داعیان را در یک صفحه
به اختصار برگزار کرد و در این زمینه جزء مختصر تفاوتی با سایر
منابع مذکور ندارد .

۵. اتعاظ الحنفاء

باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء

لتقی الدین احمدبن علی المقریزی(۸۳۴ - ۷۶۶ه.ق)

مقریزی که کتابی راجع به عمران مصر به نگارش درآورده بود اراده
کرد تا یک دوره تاریخ سیاسی بنویسد ،لذا یک تاریخ سیاسی از زمان فتح مصر
توسط اعراب تا زمان حیات خود نوشت و این کتاب را به سه جزء تقسیم کرد که
جزء دوم و سوم آن به اخبار قدرت گیری شیعه در مصر و خلافت فاطمیان اختصاص
دارد . اهمیت کتاب مقریزی در استفاده از منابع دست اول مربوط به تاریخ
راجع به
اسماعیلیه چون کتاب اخومحسن میباشد . در این کتاب مقریزی ورودشیعه به
مصر ، قدرت گیری فاطمیان در مصر ،روابط آنها با قرمطیان، زندگی خلفاء و
روابط آنها با مردم ، فرستادن داعیان به سایر سرزمینهای خلافت اسلامی سخن
گفته است ولی در مورد فرستادن اولین داعیان تقریبا " همان ترتیب منابع
قبلی ذکر شده در این مقال و خصوصا " جامع التواریخ را حفظ کرده است .

۶. سفرنامه

این کتاب اثر ناصرخسروقبادیانی مروزی (۴۸۱ - ۳۹۴ هـ.ق) است . که مجموعه‌ای از یادداشت خاطرات روزانه وی درمسافرت به مصرمی‌باشد .ناصرخسرو درطی این مسافرت دوهزارودویست و بیست فرسنگی با دقت و تیزبینی خاصی به بررسی ممالک و مسالک مسیر خود به حج می‌پردازد. کتاب سفرنامه آئینه اجتماع دوران حکیم است که شامل رسوم ، آداب ، هنر ، صنعت و آداب ملکداری می‌باشد. استفاده از سفرنامه در این پژوهش ناشی از نوعی برداشت انتقادی از آن می‌باشد؛ آنجا که حکیم به بیان صفت شهر مصر، عدالت ، امنیت ، فراغت مردم آنجا ، کمک کردن سلطان به مردم در مواقع بیم و خطر و قحطی و همچنین به توصیف عدالت درلحظه و بحرین که در آن رعیت هیچ مالیات نمی‌دهد ، می‌پردازد ؛ ناخودآگاه کوشش نویسنده سفرنامه و تمام داعیان دیگر باطنی - فاطمی را به توصیف سرزمینهای تحت حاکمیت اسماعیلیان به عنوان مدینه فاضله ، و تلاش آنها را درتدوین اصول و مبانی زندگی عدالت خواهانه‌ای مطابق طبع عامه ایرانیهای آریایی مشاهده می‌کنیم . من راجع به این طرزتفکرناصرخسرو به *انتقای سفرنامه* ، در بخش سوم *مفصلا سخن گفته‌ام* .

۷. کتاب النقض

این کتاب پاسخی به ایرادات نویسنده سنی کتاب " بعض فضائح الروافض" در شیعه می‌باشد. از روی مضامین سئوال و جوابهای مطرح شده توسط نویسنده کتاب النقض " عبدالجلیل قزوینی رازی " می‌توان کتاب مذکور را بازنویسی کرد .

عبدالجلیل قزوینی این کتاب را به سال ۵۶۶ هـ. نوشت و در حین پاسخ به ایرادات کتاب مذکور به بررسی اوضاع فکری و مذهبی فرق و مذاهب در ایران قرون چهارم ، پنجم و ششم هجری پرداخته است برای بررسی علل نفوذ اسماعیلیه و داعیان فاطمی در ایران کتاب النقض " مآخذ مفیدمی‌باشد.

مطالعات جدید

هیچ کتاب مستقلی تا به حال ، در زمینهٔ مورد بحث ما نوشته نشده و یا اگر چنین کتابی به رشته تحریر درآمده باشدلااقل در ایران موجود نمی‌باشد.درمیان محققین غربی،ایوانف و اشترن به این موضوع پرداخته‌اند. ایوانف در کتابی با عنوان ISMILILITERATURE به نقد و بررسی آثار اسماعیلیان پرداخته است و در این کتاب فصلی به معرفی آثار داعیانی چون نسفی ، بوحاتم رازی ، سجزی ، مویدفی الدین شیرازی و حمیدالدین کرمانی اختصاص دارد.

کتاب دیگرایوانف با نام Studes in early Persian Ismilism

نیز به بررسی این موضوع پرداخته است هرچند این اثر یک بررسی فراگیر راجع به اوضاع و احوال اسماعیلیان متقدم در ایران است اما شامل مطالبی مفید در موضوع این رساله نیز می‌باشد.

س م.اشترن نویسنده دیگرغربی ، شاید تنها نویسنده‌ای باشد که بطور مجزا درمقاله‌ای تحت عنوان " نخستین داعیان اسماعیلی در شمال غربی ایران و خراسان و ماوراالنهر " به این موضوع پرداخته است . اشترن در این

مقاله که آن را اتکای کتاب سیاست نامهٔ خواجه نظام الملک، تحریر کرده، گریزهای کوچکی از چهارچوب موضوعات سیاست نامه داشت، اما مطالب سیاست نامه را با دیدی انتقادی مورد بررسی قرارداد. این مقاله توسط فریدون بدره‌ای ترجمه و درمجله ادبیات دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۵ چاپ شده است.

در بین نویسندگان عرب، حسن ابراهیم حسن در کتاب " عبیدالله المهدی " فصلی را به این موضوع اختصاص داده است وجه مشخص این فصل، متابعت از محتوای سیاست نامه، به انضمام استفاده از آثار عربی این داعیان دربرزسیهایش، می‌باشد. حسن ابراهیم حسن در همین فصل به نقد و بررسی مطالب و محتویات آثار داعیان اسماعیلی ـ فاطمی متقدم در ایران نیز پرداخته است.

در ایران، نویسندگان متقدم معاصر چون عبدالرحمن سیف آزاد در کتاب " تاریخ خلفای فاطمی " و حسینعلی ممتحن در کتاب " نهضت قرمطیان " به بررسیهایی در این زمینه پرداخته‌اند که چیزی بیشتر از ترجمه همان مطالب قبلی از زبانهای فرنگی و عربی نیست. مزیت کتاب سیف آزاد در ارائه فهرستی از کلیه آثار و تالیفات این داعیان می‌باشد.

بخش اول : ((دولت فاطمیان))

ـ وجه تسمیه و نسب فاطمیان

جهان اسلام ، در نیمه دوم قرن سوم و سراسرقرن چهارم هجری، شاهد قدرت‌یابی دولتهای متعدد شیعی بود. شاید بتوان ، ناتوانی دولتهای سنی را در پاسخگویی به آرمانخواهی جامعه اسلامی ، عامل این تحول قدرت سیاسی دانست ، خلفای سلسله شیعی مصرکه به نام موسس آن سلسله "عبیدالله مهدی" به " عبیدی " معروف‌شده بودند، (۱) در نسب‌خود را به فاطمه زهراء دختر رسول گرامی اسلام ، منسوب می‌داشتندو بدین مناسبت فاطمی نیز نامیده شدند. به اتفاق اکثرمنابع،اینان چهارده تن‌بوده‌اند و مدت دویست و شصت سال از ۲۹۶ ـ ۵۵۶ و یا حدود دویست و هفتاد سال از ۲۹۷ ـ ۵۶۹، ابتدا در مغرب و سپس در مصر قدرت را در دست داشته‌اند. (۲)

چنانکه گفته شد، این سلسله به واسطه نام بنیانگذار آن عبیدالله مهدی، به سلسله " عبیدی " یا " عبیدیان " مشهورشده است ، اما این نامگذاری هرگز مورد پسند خلفای این سلسله که خواهان انتساب خودبه پیامبر (ص)وبهره‌وری از امامت منصوص بودند واقع نشد، لذا اینان در سراسر مدت خلافتشان سعی داشتند تا در مقابل ادعای خلفای عباسی مبنی بر حق خلافت موروثی خانواده‌شان به دلیل انتساب به پیامبر (ص) ، صحت ادعای خودرا ثابت‌کنند، ودر پی

دستیابی به این هدف درقدم اول خود را فاطمی خواندند و بعدها به این نام مشهور شدند.(۳)

درباره نسب خلفای فاطمی مسائل و مباحث مختلفی مطرح است، زیرا، گرچه خود فاطمیان سعی در اثبات صحت انتساب خود داشته‌اند: «مسلمانان ولایت مغرب گفتند مهدی از اولاد عبدالله بن سالم البصری است از دعاة آن طایفه، و اهل بغداد و عراق گفتند از اولاد عبدالله بن میمون قداح است، فی‌الجمله برانتساب او به اسماعیل بن جعفر تکذیب او مصدق نداشتند.»(۴) این اختلاف افکار موجود در جامعه اسلامی، مورخان و نویسندگان را به دو دسته تقسیم کرد، یک دسته چون ابوالمعالی محمد حسینی علوی، ابومنصور عبدالقاهر بغدادی سیدمرتضی بن داعی حسنی رازی، محمدبن اسحاق بغدادی و دخویه صحت انتساب آنان را رد کردند و آنها را از اخلاف عبدالله بن میمون دانسته‌اند.(۵) عده‌ای دیگر مانند علی بن انجب بغدادی، خواجه نصیرالدین طوسی، ناصرخسروقبادیانی ابن اثیر، ابن طقطقی، ابن خلدون و مقریزی فاطمیان را از نسل محمدبن اسماعیل بن جعفربن صادق (ع) می‌دانند.(۶) دخویه مهم ترین عامل شک در صحت انتساب را خلاء بین عبیدالله مهدی و محمدبن اسماعیل می‌داندکه فاطمیان در پرکردن آن تردید نشان دادند،(۷) به همین دلیل وی حدس می‌زند که فردثالثی که عبدالله میمون و اعقابش به نام وی به دعوت برخاستندوجود نداشت و تنها یک نفر از این راز آگاه بود که سرانجام خود را درشمال آفریقا، امام زمان، خواند.(۸)

پس از اعلام دوره ظهور توسط عبیدالله مهدی ، فاطمیان ، دولتی مستحکم و بادوام ، ابتدا در شمال آفریقا و سپس در مصر ، بنیادنهادند ، که در این بخش ، در دوقسمت به بررسی آن میپردازیم .

دورهٔ اول " از عبیدالله مهدی تا خلیفه مستنصر بالله " عصرشکوفایی (۲۹۷ - ۴۸۷ هـ.ق)

این دوره از خلافت فاطمیان ، دوره پیشرفت و شکوفائی آن میباشد ،زیرا بلافاصله پس از مرگ، مستنصرهشتمین خلیفه فاطمی ، برسرجانشینی او بین پسرانش نزاروستعلی ، نزاع روی داد و نتیجه آن دلسرد شدن طرفداران مذهب اسماعیلی در حمایت از دولت فاطمی بود که این امر سرانجام نامیمونی برای دولت آنان داشت و یکی از عوامل سقوط آنان را فراهم کرد.(۹)

به علت ترس از تعقیب و قتل توسط خلفای عباسی، ائمه اسماعیلی پس از محمدبن اسماعیل تا اعلام ظهور امام در مغرب توسط عبیدالله مهدی، بطور پنهان بسرمیبردند ، زیرا چنانکه گردیزی مینویسد به روزگار معتضد: ((هیچ قرمطی نیارست سر از جای برکردن)) .(۱۰) این حیات پنهانی باعث شد تا شناخت نسب عبیدالله مهدی ، میسر نشود.ولی منابع(۱۱) نه تنها در نسبت علوی اوشک روا داشتند بلکه گاهی وی را یهودی زادهای از اهل سَلَمیَهٔ در سوریه معرفی کردهاند.(۱۲) در مقابل اسماعیلیان وی را همان سعیدبن حسین نامیده و نسبش را چنین نوشتهاند: